



دکتر علی قائمی

احیای خانواده

بنا بر آشناسیت ریشه تنظیم موعظت‌های قرآنی

مقدمه

سوی الله که مستجمع جمیع صفات کمالیه است، مبعوث شده و دستور العمل واحدی را برای بشر آورده‌اند. از این رو، کلمه دین در قرآن به صورت مفرد آمده است. سه به صورت جمع (کلمه ادیان در قرآن نیامده است) و اگر در زبان عرف یا در تاریخ، کلمه ادیان آمده است، بدان خاطر است که به علت دستکاری‌ها و تحریف‌های صورت گرفته در کتب آسمانی، بسیاری از آن‌ها از خط الهی و واحد خود دور و جدا شده‌اند لذا تعالیم کوناگون به اسم ادیان به مردم عرضه می‌شود. در حقیقت که خداوند دستور واحدی را در رستندای خاص برای بشر افلاک فرموده است.

وحدت در تعالیم

آری، دستورهای دینی، به زبان ساده، به معنی دستور العملی واحد از سوی حضرت پروردگار است که برای بشر آمده است. بسکن است در کیفیت احرا و عمل، تفاوت‌های جزئی به چشم می‌آید (که آن هم مربوط به جریان رشد فکری و تفاوت‌های عقلی و فرهنگی بشر است)، اما در کلیات امور دینی تفاوتی اساسی دیده نمی‌شود. به بیان دیگر، تعالیم حضرت ابراهیم (ع)، همان تعالیم

هدف بحث ما درباره این موضوع، تهیه پاسخ به این سه سؤال عمده بود: خانواده در گذشته چه بود؟ چه شد؟ چه باید بشود؟ سؤال اول را شامل دو بخش داستیم: بخشی در مورد خانواده در جوامع منهای مذهب و بخشی دیگر، تحت عنوان خانواده در جوامع دینی، که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

ب) خانواده در جوامع مذهبی

در این قسمت می‌خواهیم به بیان این مسئله بپردازیم که خانواده در ادوار پیشین، در جوامع مذهبی و الهی به چه صورتی بوده است؟

پیش از ورود به بحث، تذکر یک نکته به نظر ما مهم و اساسی است و آن این که: دین به عنوان دستور العمل حیات، توسط خدای جهان آفرین و خالق بشر تهیه و تدوین شده و به وسیله سفیران او (انبیای الهی) به مردم ابلاغ گردیده است. همه انبیا که عدده آنان را در تاریخ تا ۳۰۰ هزار نفر هم نوشته‌اند (مرحوم صدوق، معروف به ابن بابویه، کتاب کمال الدین)، از سوی خدای واحد و احد، بنا بر

حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) یا حضرت محمد(ص) است. قرآن در این مورد می‌فرماید: *شرع لکم من الذین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک (سوره شورا، آیه ۱۳)*. خداوند همان راهی را برای شما در زندگی برگزید که برای حضرت نوح معین کرد، و مفاهیم این گونه سخنان در قرآن بسیار است.

نتیجه

نتیجه این بیان آن است که سخنان انبیای الهی واحد است. همه از جانب خدا یک حکم و یک دستور را آورده‌اند، و بر این اساس اگر تورات اصیل یا انجیل اصلی در اختیار ما نباشد، می‌توان به قرآن مراجعه کرد. زیرا از نظر اسناد و سخنان دوست و دشمن، می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن تنها کتاب دست نخورده و تحریف نشده آسمانی است که در جهان امروز موجود است. دلیل آن این است که محتوای نسخه‌های قرآنی قرن اول، حتی اگر ناقص باشد، با متون قرآن موجود انطباق دارد و حتی کلمه‌ای از آن پس و پیش نیست.

امروزه صفحاتی از قرآن به خط امام امیرالمؤمنین (ع) در موزه چین، یا انگلیس وجود دارد که متن آن با متن قرآن موجود فرق ندارد. هم‌چنین است قرآنی که به خط امام مجتبی (ع) یا امام رضا (ع) موجود می‌باشد.

براین اساس، درست است که تورات، انجیل، زبور، صحف و دیگر کتب آسمانی در دست نیستند، ولی قرآن همان را می‌گوید که آن کتب در عصر خود می‌گفته‌اند، زیرا همه آن‌ها از سوی خدای واحد بوده‌اند.

سرگذشت خانواده

حال اگر بخواهیم بدانیم که ابراهیم(ع) در صحف خود، موسی(ع) در تورات خود، و داوود(ع) در زبور خود راجع به خانواده چه گفته‌اند، می‌توانیم به قرآن مراجعه کنیم. مطالعه در آیات قرآن ما را با حقایقی در این زمینه آشنا می‌کند که با دیدگاه‌های دنیای غرب تفاوت اساسی دارد.

با ذکر این مقدمات می‌توان به این نتیجه دست یافت که دید ادیان الهی و موضع آن‌ها نسبت به خانواده، دیدی خوش‌بینانه و انسانی است. راه و رسمی که انبیای الهی اجرای آن را در امر خانواده به مردم تبلیغ می‌کردند، راه و رسمی عاقلانه، عادلانه و قابل دفاع بود و هست. البته حق هم ایجاب می‌کند که چنین باشد. شأن خدا بالاتر از این است که زن و مردی از جنس بشر بیافریند و هر دو را از یک نوع مواد خلق کند، اما یکی را اسیر

و توسری خور دیگری قرار دهد. چنین امری با عقلانیت، عدل و قسط سازگار نخواهد بود.

خانواده و بحث زن

خانواده را گروهی می‌دانیم متشکل از زن و مرد که در سایه نکاح در کنار هم قرار گرفته، تولید نسل و فرزندان وجود آن را کامل می‌سازد. در این تشکیل که مبتنی بر اراده و خواست تأسیس است:

- اولاً نکاح وجود دارد و غرض از آن عقدی است که بر اثر آن رابطه زوجیت مشروع می‌شود.

- ثانیاً حقوق یدید می‌آید که اساس آن بده و بستان‌ها بین اعضای خانواده است. در این تأسیس، زن و مرد دو رکن اساسی خانواده‌اند، ولی بحث‌های مربوط به حیات صواب یا ناصواب آن بر سر زن‌ها دور می‌زند. به عبارت دیگر، بحث‌ها در عرصه ناامنی‌های خانواده، فروپاشی آن، فساد و آلودگی آن، حیات انسانی یا حیوانی آن، ستمکاری و ستمدیدی در آن و حتی فنا و نابودی عضوی از آن (فرزندان زنده به گور)، مربوط به جنس زن بوده و هست.

این مشکل گذشته و امروز بشر بوده است که زن در خانواده مورد اهانت و تحقیر واقع شده و می‌شود. او را در گذشته مورد استنثار و اهانت قرار داده، امروز هم در قالب‌های دیگری همان برنامه را درباره او اجرا می‌کنند. علت عمده و اساسی این جریان در پیس باورهایی است که درباره زن وجود داشته و دارد. در جوامع منهای مذهب، زن را به عنوان یک ابزار در خدمت مرد می‌دانسته، او را مورد ستم و تعدی قرار می‌دادند. باورشان این بود که زن وجودی پست‌تر از مرد، همدست شیطان و عامل شر و فساد است. تعالیم الهی کوشیدند این اندیشه را از اذهان دور سازند و او را همانند همتای مرد معرفی کرده، نظر تحقیرآمیز به او را طرد کرده، برای او شأن و موقعیتی همانند شأن و موقعیت مرد قائل باشند.

نظریات مؤید

قرآن به عنوان نماینده و سمبل کتب آسمانی و الهی، که حاوی همه تعالیم انبیا در طول تاریخ است، درباره زن نظریاتی اعلام کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- زن و مرد از نفس واحده‌ای آفریده شده‌اند... *رتکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها (نساء، آیه ۱)*.

۲- آدمی از زن و مردی آفریده شده (بدون این که مردان را در این مسیر مزیتی بر زن ذکر شده باشد): *یا ایها الناس انا خلقناکم*



کریماً (همان).

مراتب عنایت پیش تر

ملاحظه در اسناد اسلامی حکایت از آن دارد که در تعالیم الهی، خدای را بد زن عنایت پیش‌تری نسبت به برای این امر دلایل و توجیهاتی قابل دفاع وجود دارد. از جمله

۱- جمله سه وهب علی وهن (لقمان، آیه ۱۴) مادر او را با دسوزاری زیاد حامله شد و فضاله فی عامس (همان) و دو سال او را شیر داد و...

۲- پیامبر فرمود سه چیز در نزد من محبوب ساخته شده‌اند بسوی خوش، زن، و نور چشم من، نماز حسب الی ثلاث: الطیب و النساء و فرد عینی الصلوة (مکارم الاخلاق و بسبب ساری از کتب روایی).

۳- المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه (نامه ۳۱ نهج البلاغه) : زن گل است، قهرمان نیست (که با او پنجه درافکنی).

۴- ما اکرم النساء الاکریم و ما اهانهن الاکنیم (مکارم الاخلاق، وسائل الشیعه و...) جز کریم و جوانمرد، زن را گرامی ندارد، و جز فرد پست، زن را اهانت نکند.

۵- سفارش به مدارا با زنان است و احسان به آنان. فداروهن عنی کن حائل و احسوا الیهن الحفال (همس) سخن گفتن با آنان را سکو گردانند.

من ذکر و انشی، و بعدها در اثر کثرت به صورت گروه‌ها، دسته‌ها و قبیله‌ها درآمدند؛ و جعلناکم شعوباً و قبائل... (حجرات، آیه ۱۳).

۲- زن و مرد هر دو بنده خدایند و به وظایف بندگی و عبادت خود می‌پردازند. خدا، ند قول داده است عمل هیچ‌کسی را از زن و مرد تباد نکند؛ انی لا اصیع عمل من عمل منکم من ذکرا و انسی (ال عمران، آیه ۱۹۵).

۴- این که در زبان عوام وجود دارد که زن عامل فریب‌جویی و وسوسه و سبب خروج آدم از بهشت است، جرد نفی قرآن است. قرآن می‌فرماید که شیطان در آدم و حوا توان وسوسه کرد. فوسوس لهما الشیطان (اعراف، آیه ۲۰) شیطان هر دو نفر آنان را لغزاند و سبب اخراجشان از بهشت شد. فارلهما شیطان (نقره، آیه ۳۶).

۵- قرآن بدون تفکیک زن و مرد می‌فرماید: لکم عبداللهه اتقیکم (حجرات، آیه ۱۳). گرامی‌ترین شما در نزد خدا، باتقواترین شماست.

۶- تعالیم الهی، احسان به والدین را مطرح می‌کند، بدون این که در آن برای مردان شأن و مرتبتی بالاتر قائل باشد. و قضی ربک الا تعبدوا و الا آیاه و بالوالدین احسانا (اسراء، آیه ۳۳).

۷- بی‌احترامی را نه برای پدر می‌سنجند، نه برای مادر؛ فلا تقل لهما اف و لا تنهرهما، نه پدر و مادر اف مکند و آن دو را از خود مراند و نارین دپ با آن دو سخن گویند. انش لهما یذ